

بررسی الگوی زهد اسلامی در عصر حاضر

محسن قمی*

مرضیه سادات سجادی**

چکیده

تأثیر فرهنگ مدرنیسم بر زندگی انسان معاصر موجب شده است که گروهی از عدم امکان اجرای بسیاری از مفاهیم اخلاقی در عصر جدید سخن به میان آورند. از سوی دیگر تفسیر نامناسب زهد، سبب شده که برخی خود را از تمامی نعمات الهی محروم ساخته و زندگی را بر خود و اطرافیان خویش سخت نمایند. این مقاله در پی آن است که درعین نشان دادن ناسازگاری مبانی مدرنیسم با مبانی اسلامی، به اثبات امکان اجرای زهد در این عصر پرداخته و با تفسیر صحیح زهد با استفاده از قرآن و سنت، عرصه‌های مختلف اجرای زهد همچون عرصه تولید، مصرف، تخصیص درآمد و ... را بررسی و به ارائه الگوی صحیح زهد در آنها بپردازد.

واژگان کلیدی

زهد، اسراف، مدرنیته، مفاهیم اخلاقی، اخلاق اسلامی.

طرح مسئله

یکی از مفاهیم اساسی در اخلاق اسلامی، مفهوم زهد است که آیات و روایات فراوانی بر مطلوبیت آن دلالت داشته و تاکید فراوان بر این مسئله در متون دینی باعث ایجاد جایگاه ویژه‌ای برای آن در برنامه‌های اخلاقی اسلام گردیده‌است. هرچند که از همان عصر نخستین شریعت، سؤالهای فراوانی در

mohsenghomi_2005@yahoo.com

mssajjadi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۲۴

*. عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم.

** کارشناس ارشد مدرسی معارف اسلامی دانشگاه باقرالعلوم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۵

رابطه با این مسئله اخلاقی برای مسلمانان وجود داشته است، اما ظهور و بروز مدرنیته در دوران معاصر باعث ایجاد سؤال‌هایی جدی پیرامون این مسئله شده است. مدرنیته که هم‌زمان با پیشرفت‌های شگرف بشر در علم و تکنولوژی آغاز گردید، دامنه نفوذ خود را در حیطه‌های مختلف زندگی انسانی گستراند و دوران جدیدی از زندگی بشر که با دوران‌های پیشین تغییرات بنیادین داشت را آغاز نمود. یکی از نمودهای این تغییرات را می‌توان در نحوه بهره‌برداری بشر از امکانات طبیعی مشاهده نمود. تکنولوژی جدید و کارآیی بالای ابزار تولید، موجب افزایش تولید مایحتاج زندگی گردیده و علی‌رغم باقی ماندن محرومیت‌ها در برخی مناطق، امروزه در بسیاری جوامع دسترسی کافی به نیازمندی‌های زندگی وجود دارد. این تغییرات، باعث ایجاد این سؤال اساسی شد که آیا در شرایط پیش‌آمده، هنوز هم می‌توان از مطلوبیت زهد به عنوان یک مفهوم اخلاقی سخن گفت و در صورت مطلوبیت آن چگونه می‌توان به بازیافتن به آن در عصر حاضر پرداخت. این سؤال از آن رو اهمیت دارد که زهد در طول تاریخ با بدفهمی‌های زیادی مواجه بوده و تداوم این بدفهمی‌ها و تفسیر نامناسب از زهد در عصر حاضر نیز بی‌تأثیر نبوده تا جایی که می‌تواند موجبات عقب ماندگی جوامع اسلامی را فراهم سازد.

معناشناسی زهد

یک. زهد در لغت و اصطلاح

زهد در اصل لغت به معنای کمی شیء می‌باشد. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۳۰) این واژه در تطورات معنایی به معنای بی‌رغبتی نسبت به شیء درآمد است. (جوهری، ۱۴۱۰: ۲/۴۸۱) ابن‌منظور ضمن اختصاص دادن معنای زهد به امور دنییه، آن را به معنای عدم رغبت و حرص نسبت به دنیا می‌داند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳/۱۹۶) در اصطلاح، زهد به معنای دل‌کندن اختیاری از بهره‌های دنیوی همچون لباس، خوراک، مال، مقام و ... می‌باشد. (فاضل مقداد، ۱۴۲۰: ۱۰۷) زهد را دارای مراحل مختلفی دانسته‌اند. در مرحله نخست، هرچند که شخص زاهد دنیا را ترک می‌کند، اما به دنبال کسب همان نعمات در سرای باقی می‌باشد. در مراحل بالاتر، شخص زاهد علاوه بر دنیا، آخرت را نیز ترک کرده و صرفاً به دنبال کسب رضایت حضرت حق می‌باشد. (التهانوی، ۱۹۹۶: ۱/۹۱۳) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: اقدامی، ۱۳۸۹: ۱۱۴ - ۱۰۹)

حقیقت و معنای دقیق‌تر زهد را می‌توان در کلمات معصومین علیهم‌السلام یافت.

شیواترین عبارت در تعریف زهد از سوی امیرالمومنین علی علیه‌السلام بیان شده است:

الرُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»
وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَيَّ الْمَاضِي وَلَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الرُّهْدَ بَطْرَفَيْهِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۰/۵۲)

ایشان با استناد به آیه بیست و سوم سوره حدید، حقیقت زهد را حالتی درونی می‌دانند که در اثر ایجاد این ملکه در درون شخص، او نسبت به مظاهر دنیایی بی‌اعتنا گردیده و در نتیجه نه کسب دنیا او را خوشحال کرده و نه از دست دادن آن موجب ناراحتی او می‌گردد. مطابق این تفسیر، شخص زاهد لازم نیست که دست از دنیا کشیده و ترک زندگی کند. او می‌تواند و باید نیازمندی‌های زندگی خود را تامین کرده و از نعمت‌های الهی سود بجوید. ترک کلی دنیا نه تنها پسندیده نیست، بلکه مورد نکوهش دین اسلام و به‌ویژه قرآن نیز قرار گرفته است:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف / ۳۲)

اما باید دقت داشت که هرچند زهد حالتی روانی می‌باشد، اما این روحیه به ضمیر و درون شخص زاهد محدود نگشته و او در زندگی خویش قناعت را پیشه خود می‌سازد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۱۴/۱۶) سیره عملی معصومین نشان می‌دهد که ایشان هرچند مؤمنان را به استفاده از دنیا دعوت و کسانی که ترک زندگی گفته و به گمان خود به زهد ورزی مشغول بوده‌اند را نکوهش و منع می‌کرده‌اند، اما خود را نسبت به نعمت‌های دنیا محدود کرده و کسانی را که در مقابل نعمت‌های دنیوی عنان از کف می‌داده‌اند، مورد عتاب قرار داده‌اند. توبیخ شریح قاضی از سوی امیرالمومنین علی علیه السلام در پی خریداری منزلی که بیش از حد نیازش بوده، نمونه روشنی از این برخوردها می‌باشد. (نهج البلاغه، نامه ۳، ۳۴۶)

دو. تفاوت زهد و رهبانیت

رهبانیت از واژه «رهب» به معنای خشیت و فروتنی است و در اصطلاح به بریدن انسان از مردم، برای عبادت گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۸۰/۱۹) رهبانی‌گری در زندگی بشر سابقه‌ای دیرین دارد و در میان هندوها بسیار متداول و مرسوم بوده‌است. حتی اکنون نیز مرتاضان زیادی در هندوستان وجود دارند که به زندگی بیابانی و ریاضت‌کشی مشغول‌اند. (عمید زنجانی، ۱۳۴۶: ۳۵) براساس اندیشه‌های راهبان، کار دنیا و آخرت از یکدیگر جداست و یا باید به فکر زندگی و کسب و کار و معیشت بود و یا به عبادت و ریاضت پرداخت تا زندگی آن جهان آباد گردد.

این درحالی است که زهد اسلامی، حقیقتی درونی است که نمود آن عدم کار و فعالیت در اجتماع نیست. شخص زاهد، دنیا و آخرت را با هم در نظر گرفته و صرفاً استفاده خود از دنیا را محدود می‌سازد، نه آنکه به ترک کلی دنیا بپردازد. در اسلام، رهبانیت وجود نداشته و رفتارهای رهبانی به شدت مورد نهدی قرار گرفته است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به زنی که ترک ازدواج کرده و از طریق آن به دنبال کسب

مقامات اخلاقی و فضائل بود، او را دعوت به ازدواج کرده، فرمودند اگر در این ترک دنیا فضیلتی وجود می‌داشت، فاطمه دختر پیامبر ﷺ، حضرت به کسب آن می‌پرداخت (طوسی، ۱۴۱۴: ۳۷۰)

سه. رابطه زهد و فقر

فقر عبارت است از بی‌بهره بودن از مال و ثروت یا کم‌بهره بودن از دارایی. (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۱۸/۶) فرق میان زهد و فقر در این است که زهد صفتی اختیاری است که زاهد در درون خویش ایجاد نموده است و نفس خویش را نسبت به دنیا و مظاهر فریبنده آن، بی‌رغبت نموده است نه اینکه قهراً از مال و ثروت بی‌بهره باشد. در واقع زهد، صفتی قلبی است اما فقر، پدیده‌ای خارجی است؛ به این معنا که انسان از امکانات مادی بی‌بهره باشد و قدرت تهیه آنها را نداشته باشد؛ نه اینکه بهره اندک از امکانات مادی را به اختیار برگزیده باشد. (علی اکبریان، ۱۳۷۸: ۳۸ - ۴۴)

با سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که:

زهد در دنیا آن نیست که مال خود را ضایع کنی و حلال را بر خود حرام گردانی؛ بلکه زهد و ترک دنیا، آن است که اعتماد تو بر آنچه در دست داری، زیاده نباشد از اعتماد تو بر خدا (کلینی، ۱۳۷۰: ۷۰/۵)

چهار. نسبت زهد و توسعه اقتصادی

در اسلام، تنها بر رفع نیازهای ضروری و احتیاجات اولیه زندگی تأکید نشده است؛ بلکه تأمین رفاه و آسایش و فراهم آوردن امکانات برای زندگی بهتر و راحت‌تر به‌خصوص وقتی که در خدمت عبادت و شناخت بیشتر خدا باشد، نیز مورد توجه است.

قرآن، از مخاطبان خود می‌خواهد رزق و روزی و امکاناتی که خداوند در اختیارشان نهاده مورد استفاده قرار دهند و آنها را بی‌جهت هدر ندهند.

(ای پیامبر، به مردم) بگو چه کسی، زینت خدا که آن را برای بندگانش آفرید و همین‌طور روزی‌های پاک را حرام نموده‌است؟ (اعراف: ۳۲)

مضمون آیه، این است که از نعمت‌های الهی و زینت‌های خدا باید استفاده صحیح نمود؛ چراکه در غیر این صورت، شکر نعمت ادا نشده است.

روحیه زاهدانه، سبب نمی‌شود که مؤمن، از کار و فعالیت در جهت عمران، پیشرفت و ترقی خود و جامعه دست بردارد. دین‌داری موجب رکود بازار کار نخواهد بود؛ چون کار و تولید نزد مسلمان عبادت

محسوب می‌شود؛ افزون بر آن، از وظایف اجتماعی یک مسلمان، فراهم آوردن هزینه زندگی خود و خانواده و کمک به اقتصاد جامعه اسلامی است. در سایه حکومت اسلامی، رهبانیت و انزواطلبی معنایی ندارد؛ منتها با بالا رفتن فعالیت‌های اقتصادی و بازار تولید، بازار مصرف نباید افزایش یابد؛ یعنی یک مسلمان در تولید زاهدانه عمل نمی‌کند ولی در زمینه مصرف، زهدورزی می‌نماید. با این وصف این روش - تولید انبوه و مصرف متناسب - نه تنها با پیشرفت و توسعه اقتصادی و بهره‌گیری از علوم روز و تکنولوژی جهانی منافاتی ندارد؛ بلکه زمینه‌ساز اصلی رشد و توسعه در هر جامعه‌ای است.

فلسفه و چرایی زهد

آن‌چنان که در سیره اهل بیت علیهم‌السلام مشهود است، زهد در هر مقام و هر مکان، مبتنی بر علتی خاص است. بر این اساس می‌توان برای زهد و زهدورزی در تعالیم دینی علت‌ها و دلایلی را ارائه کرد. به بیان دیگر می‌توان این موارد را از اسباب زهد قلمداد کرد:

یک. ایثار و همدردی

یکی از اسباب و انگیزه‌های زهدورزی ایثار و از خودگذشتگی است. به اعتقاد استاد شهید مطهری:

زاهد از آن جهت ساده و بی تکلف در کمال قناعت زندگی می‌کند و بر خود تنگ می‌گیرد که دیگران را به آسایش برساند. او از اینکه نیازمندان را بخوراند و ببوشاند و به راحتی برساند، بیش از آن لذت می‌برد که خود بخورد و ببوشد و استراحت کند. قلب در آشنای و حساس او وقتی از نعمت‌های مادی استفاده می‌کند که انسانی نیازمند نباشد. (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۱۹/۱۶)

دو. آزادگی و وارستگی

زندگی انسان مانند هر موجود جاندار دیگر براساس شرایط طبیعی و ضروری است مثل نیاز به آب، غذا، اکسیژن و لباس به گونه‌ای که نمی‌تواند بدون آنها زندگی کند؛ ولی یک سلسله نیازهای دیگر هست که خود انسان یا عوامل محیطی و اجتماعی از بیرون بر او تحمیل می‌شود و او را در قید و بند می‌کشد. آنجا که فرد متوجه می‌شود این نیازهای کاذب و اشیاء و ابزار مادی او را مملوک و برده خویش ساخته، زهد سر بر می‌آورد و انسان را رهایی می‌بخشد.

مسیر زندگی مثل شنا کردن در دریاست؛ هرچه وابستگی‌ها کمتر باشد، شنا کردن آسان‌تر؛ اما وابستگی و تعلقات احتمال غرق شدن را بیشتر فراهم می‌کند. امام علی علیه‌السلام در نهج‌البلاغه به ترک دنیا

یعنی ترک لذت‌گرایی مبتنی بر روحیه آزادمنشی تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند:

دنیا گذرگاه است نه قرارگاه و مردم در این گذرگاه دو دسته‌اند: برخی خود را می‌فروشند و برده می‌سازند و خویشتن را تباه می‌کنند و برخی خویشتن را می‌خرند و آزاد می‌سازند. (نهج‌البلاغه: حکمت ۱۳۳)

سه. معنویت

ریشه دیگر زهد را می‌توان بر خورداری از مواهب روحی و معنوی دانست؛ زیرا تا انسان از قید هواپرستی آزاد نگردد و مسائل معنوی را درک، سرزمین دل او برای رشد و نمو اندیشه‌های تابناک و ملکوتی آماده نمی‌شود و این فصل ممیز آدمی است با موجودات دیگر. ابن‌سینا مقام زاهدان واقعی را اینگونه توصیف می‌کند:

زاهد آگاه و آشنا به فلسفه زهد، از آن جهت زهد می‌ورزد که نمی‌خواهد ضمیر خویش را به غیر ذات حق مشغول بدارد. چنین شخصی، شخصیت خویش را گرامی می‌دارد و جز خدا، هر چیز دیگر را کوچک‌تر از آن می‌داند که خود را بدان مشغول سازد و در بند اسارتش درآید. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۱۴۳)

چهار. رهایی از غفلت

یکی از رذایل اخلاقی که مانع سیر معنوی انسان است غفلت است. مقدمه سیروسلوک آن است که انسان توجه کند که ناقص است و باید کامل شود؛ بدیهی است که اگر کسی غافل باشد و نداند که مسافر است، در جای خود می‌ماند. اما برای این بیداری، تلاش و کوشش لازم است؛ چراکه غفلت در فرهنگ دینی، رجس و چرک است و ائمه اطهار در مناجات با پروردگار خویش، خداوند را بر پاک کردن دل‌هایشان از چرک‌های غفلت شکر می‌نمایند.

حکیمان الهی زهد را عاملی برای رفع غفلت و پاکیزگی درون می‌دانند:

فلسفه زهد، غبارروبی دل است. صحنه دل، چون آینه، مایل به سوی حق است و هر علاقه‌ای به غیر خدا، غباری است بر آن. جان غبارآلود و گرد گرفته را فقط با داروی زهد می‌توان غبارروبی کرد. ذات اقدس اله برای قلب، کعبه‌ای قرار داده است که قلب، فطرتاً به آن متوجه است و تعلق دنیایی جلو دید قلب را می‌گیرد. برای گردگیری رواق جان، باید دل را دریایی کرد؛ به گونه‌ای که به چیزی از دنیا و متاع آن، تعلق خاطر نداشته باشد؛ یعنی نه فقط در عمل بلکه در باطن هم باید از همه چیز جز دو دوست دل برکند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

امکان اجرای زهد در عصر جدید

برخی معتقدند که در شرائط فعلی که زندگی انسان تحت تاثیر مدرنیته، شکلی متفاوت از گذشته به خود گرفته است، دیگر نمی‌توان به برخی مفاهیم اخلاقی چون زهد باریافت. برای راستی آزمائی این نظریه، بایستی مبانی و پایه‌های فکری مدرنیته را بررسی کرد، چراکه بدون شناخت این مبانی، بحث از سازگاری یا ناسازگاری مدرنیته با مؤلفه‌های دینی نظیر زهد، به فرجام نمی‌رسد.

یک. اصول معرفت‌شناختی مدرنیته

رویکرد مدرنیته به معرفت و مسائلی مرتبط با آن براساس مبانی زیر استوار است:

۱. محدود کردن معرفت انسان به امور مادی و مردود دانستن یا مغفول گذاشتن واقعیت‌های دیگر.
۲. اصالت دادن به علم تجربی و برتر دانستن آن بر شناخت‌های دیگر با تکیه بر آن در زندگی، تأکید بر ضرورت اقتدار علم و در نهایت، داشتن پروبلماتیک علمی^۱ در برخورد با مسائل. به عبارت دیگر تعمیم کشفیات علمی از طبیعت به همه حوزه‌های بشری و جایگزینی جهان‌بینی علمی به جای جهان‌بینی دینی و فلسفی.
۳. اتخاذ رویکرد غایت‌گرایانه^۲ و ابزارگرایانه^۳ در معرفت‌گزینی و ارزیابی آن با ملاک بیرونی؛ در این راستا تجددگرایی ملاک معرفت را تولید قدرت و نفع برای زندگی انسان در این دنیا قرار می‌دهد.

دو. اصول هستی‌شناختی

اصول اندیشه مدرنیسم نسبت به جهان و ساختار و روابط عناصر آن اینها است:

۱. اسطوره زدایی از جهان و رد تأثیر نیروهای فوق طبیعی بر امور زندگی.
۲. تغییر اندیشه رابطه انسان، جهان و خداوند با یکدیگر. مدرنیسم در اندیشه خود، خدا را و انسان را مسلط بر طبیعت معرفی می‌کند.
۳. منحصر کردن وجود به عالم ماده.
۴. فقدان نظم حاکم بر جهان هستی به علت عدم توجه به پدیده‌های فرامادی و عدم توجه به قانون علی حاکم بر آنها.

سه. اصول انسان‌شناختی

در فضای فکری تجدد، از وجود انسان، هدف زندگی و جایگاه او تصویر خاصی ارائه می‌شود؛ از جمله اینکه:

1. Problematic.
2. Teleological.
3. Instrumental.

۱. تأکید بر قاعده فردیت و اصالت انسان، اهمیت «Subject» یا حیثیت درونی انسان در استقلال و آزادی کامل آن. در چنین اندیشه‌ای، کسی نمی‌تواند از خارج حکمی صادر کند و قوانین و وضعیتی را بر او تحمیل نماید. (ظہیری، ۱۳۸۱: ۱۸۵ - ۱۸۶)

۲. تعریف سعادت انسان به سعادت دنیوی و حاکمیت لذت‌گرایی. (همان)

۳. انسان جدید، معجزه‌ها را نمی‌پذیرد، چراکه آنها در نظم قانون‌مند جای نمی‌گیرند. هنگامی که تصادفی عجیب یا خارق‌العاده اتفاق می‌افتد، انسان متجدد به دنبال عاملی مادی می‌گردد و کشف آن را براساس عوامل طبیعی جستجو می‌نماید. (بولتمان، ۱۳۷۴: ۱۱۳)

تباین مبانی فکری اسلام و مدرنیته

باتوجه به مبانی فکری مدرنیته که بیان گردید، مشخص شد که مدرنیته دارای ویژگی‌هایی نظیر سوژکتیویسم، سکولاریسم، اومانیزم، تعبدگریزی، عقل‌گرایی و ... می‌باشد که آن را از اصول اسلامی متمایز می‌سازد. شاخصه‌های تجدد جایگاهی برای پیوند و سازگاری با مبانی اسلام باقی نمی‌گذارد. تنها سؤالی که مجال طرح می‌یابد، این است که آیا در فضای مدرنیته، یک فرد مسلمان می‌تواند پایبند به اصول و مبانی اعتقادی دین خود همچون زهد باشد؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان زاهد ماند و در عین حال از مواهب عصر جدید بهره برد؟

اسلام با مدرن بودن به معنای استفاده از ابزار یا وسایل جدید مخالفتی ندارد. در اسلام اشکال و قالب‌ها و صورت‌های ظاهری، قداست ندارند؛ بلکه محتوا و نگرش و اعتقادات است که دارای ارزش می‌باشد و به همین خاطر با تغییر زمان، اعتقادات، تغییری نمی‌کند. اسلام با جمود و تحجر مخالف است و از این که مسلمانان با تکیه بر ظواهر و صورت‌ها، اسلام را دینی خشک و غیرمنطبق با شرایط مختلف زمان معرفی کنند، برخورد کرده است.

آموزه‌های دینی، همواره مسلمانان را به یادگیری علوم و فنون روز و بهره‌گیری از آنها در پیشبرد اهداف الهی اسلام تشویق می‌نماید.

اسلام همواره به رعایت مقتضیات زمان و شرایط جدید توجه داشته و مؤمنین راستین را به تقفیه در دین و اجتهاد در احکام دین برای استخراج قوانین جدید در رخدادها و مسائل روز سفارش می‌کند؛ چراکه هر عصری، اقتضات و نیازهای مخصوص به خود را دارد و فرد مسلمان باید پایه‌پای عصر خویش پیش برود و خود را محصور در قرون گذشته ننماید؛ بلکه با بهره‌گیری از علم و تخصص در دین، قدرت انطباق احکام و شرایط جدید را از آموزه‌های اولیه شرعی را به‌دست آورد و قوانین جدید کشف نماید. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۱۲/۲)

ضرورت الگوپذیری

قرآن کریم در آیات پرشماری به معرفی پیامبران و شناساندن ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی آنها می‌پردازد و بدین‌رو انسان‌ها را با الگوهای رفتاری و اخلاقی آشنا می‌سازد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان همانند اعمال و وظایف تعبدی، در امور مربوط به مصرف نیز به پیشوایان دین، تاسی و اقتدا نمود و سخن و شیوه آنان را مینا قرار داد؟

پاسخ این پرسش آن است که اولاً از نصوص پرشمار کتاب و سنت و موضع‌گیری‌های فراوان پیشوایان دین، مطلوبیت پیروی از آنان در عرصه‌های گوناگون و محصور نبودن این مهم به جنبه‌های عبادی استفاده می‌شود. از همین رو، قرآن کریم در مناسبت‌های گوناگون، به معرفی پیامبران و شناساندن ویژگی‌های شخصیتی آنان می‌پردازد و در مورد پیامبر اکرم ﷺ به طور صریح می‌فرماید: «بدون شک برای شما، در رسول خدا سرمشقی نیکوست». (احزاب / ۲۰)

به گفته قرآن، خداوند از آن حضرت ﷺ خواسته است که بگوید:

اگر خدا را دوست دارید، از راه و روش من پیروی کنید تا خداوند نیز شما را دوست داشته باشد. (آل عمران / ۳۱)

مقتضای این‌گونه نصوص آن است که اصل را مطلوبیت پیروی از اهل بیت در همه عرصه‌ها بدانیم و مواردی را که از خصایص و ویژگی‌های آنان است، با دلیل ثابت کنیم؛ چنانکه امیر المومنین ﷺ، در نامه‌ای که به کارگزار خویش در بصره، عثمان بن حنیف نگاشته‌اند، می‌فرمایند:

هان، آگاه باش! پیشوای شما از دنیای خود، به دو کهنه جامه و از خوراکش به دو قرص نان بسنده کرده است و بی‌گمان، شما بر چنین رفتاری توانایی ندارید، ولی مرا (در حد توان خود) با ورع و پرهیزکاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری یاری کنید. (نهج‌البلاغه: نامه ۴۵)

الگوی زهد در عرصه‌های مختلف

از آنجا که مفهوم زهد، مفهومی عام است در زمینه‌های مختلف زندگی، امکان اجرا دارد؛ از سوی دیگر ممکن است که شکل اجرای آن در هر یک از این عرصه‌ها با یکدیگر تفاوت داشته باشد، ضروری است که هر یک از این عرصه‌ها، به صورت مستقل مورد بحث و بررسی قرارگیرد.

یک. الگوی زهد در عرصه تولید

اموری که در عرصه تولید باید مورد توجه قرار گیرد تا الگوی زهد در این عرصه تحقق یابد، به این شرح است:

۱. عدم اکتفا به حداقل‌ها در تولید

توجه کردن به رشد و توسعه اقتصادی نه‌تنها با توجه به آخرت و اصالت دادن به آن تضادی ندارد بلکه توجه و اصالت به آخرت، باعث می‌شود که کار و تلاش با انگیزه قوی‌تری دنبال شود چراکه کار و تولید نزد انسان زاهد، از عبادت‌های بزرگ به شمار می‌رود.

ماکس وبر معتقد است که عقاید دینی توانایی آن را دارد که محرکی قوی برای کار و فعالیت دینی بی‌وقفه و در نتیجه رونق و توسعه اقتصادی یک جامعه را فراهم سازد. (وبر، ۱۳۷۳: ۱۸۸) وبر تزی رامطرح کرد که پویایی شیوه تولید سرمایه‌داری را با ویژگی کار و خویشتن‌داری برگرفته از دین مرتبط ساخت و آنان را در یک حالت تبادلی با یکدیگر قرار داد و به تبع آن، بحث و تحقیقات و پروژه‌های بی‌شماری آغاز شد و هنوز نیز نشانی از پایان آن نیست. وبر خویشتن‌داری را نوعی ریاضت خواند که متوجه عمل و کنش در اینجا و اکنون است. وی این ویژگی را به‌طور خاص، خصیصه اعضای فرقه پروتستان دانست.

او اعتقاد دارد که آنچه محیط اجتماعی اروپا را مهیای پرورش رژیم سرمایه‌داری کرده، همان طرز تفکر ناشی از مذهب پروتستان است. بدین نحو که پروتستان‌ها به عکس کاتولیک‌ها که زهد و تقوی را در رهبانیت و ترک دنیا می‌دانستند، زهد و تقوی را در حمایت و حراست انسان و نفس انسان می‌دیدند و بر اثر این اعتقاد از تجمل و افراط در جلب لذات خودداری می‌کردند؛ در نتیجه امکان ذخیره و به‌کار انداختن سرمایه برای ایشان فراهم آمد.

در آموزه‌های دینی وسیره ائمه اطهار سفارش به زهد و اکتفانمودن به مصارف شخصی در امر تولید وجود ندارد و هرآنچه در باب زهد و قناعت در روایات آمده است پیرامون «زهد در مصرف» است. به عبارت دیگر الگوی زهد در فرهنگ اهل‌بیت الگوی «تولید حداکثری و مصرف حداقلی» است؛ یعنی بسنده نمودن به حداقل‌ها در مصرف و همت مضاعف در تولید؛ چراکه انسان متعادل فقط به خویش نمی‌اندیشد بلکه اجتماع را نیز مورد توجه و اهتمام خود قرار می‌دهد و سعی می‌کند به همان میزان که در مصرف خویش، صرفه جویی می‌نماید، در تولید تلاش کند تا جامعه را از خدمات خود بهره‌مند نماید. روزی سعید بن قیس همدانی، علی‌علیه‌السلام را در گرمای شدید در کنار دیواری دید و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! در چنین ساعتی بیرون از خانه‌اید؟ امام فرمود: بیرون نیامده‌ام مگر آن که مظلومی را یاری کنم یا بیچاره‌ای را نجات دهم. (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۵۷)

با دقت در زندگی امیرالمؤمنین علیه‌السلام درمی‌یابیم که بخش عمده‌ای از سرمایه امام که خرج آزاد کردن برده‌ها و صدقه و کمک به نیازمندان و امور عام‌المنفعه دیگر می‌شد، بر نیروی کار خود امام علیه‌السلام متکی

بوده است، به‌ویژه آنکه املاک و مزارعی که ایشان آباد کرده بودند، در مناطق دور افتاده‌ای مثل ینبع، وادی القری و وادی عتیق قرارداداشت که زمین‌های مرغوبی به حساب نمی‌آمدند و شخصی که قبل از امام تصمیم به آباد کردن منطقه ینبع گرفته‌بود، به‌دلیل مواجه شدن با اوضاع ناگوار آن منطقه، با یأس و عصبانیت آنجا را ترک کرده بود؛ اگر تلاش و جدیت شبانه‌روز و خستگی‌ناپذیر امام علی علیه السلام نبود، چنان سرمایه عظیمی ذخیره نمی‌شد. (رشاد، ۱۳۸۰: ۳۰۳/۷)

۲. انتخاب فعالیت‌های ضروری

در عرصه تولید براساس الگوی زهد، باید متفکرانه و با درایت وارد شد؛ به این معنا که اگر گزینه‌های متفاوتی در تولید کالا و خدمات وجود داشته باشد، باید گزینه‌ای انتخاب شود که در جهت هدف و انگیزه الهی قرار گیرد و متناسب با نیازهای واقعی جامعه اسلامی باشد؛ به‌طور مثال، اگر تولیدکننده بتواند هم کالای صنعتی و هم محصولات کشاورزی تولید کند، اگر محصولات کشاورزی در زمره کالاهای صنعتی باشد، باید گزینه تولید محصولات کشاورزی را ترجیح دهد؛ چراکه به جهت ضروری‌بودن کالاهای کشاورزی، تولید آن در رفع نیازهای درجه یک و اصلی افراد جامعه قلمداد می‌شود، لذا با احتساب سود آخرتی سرشار آن که مبتنی بر رفع حوائج مسلمین است، مجموع سود مادی و آخرتی آن بیشتر از تولید کالاهای صنعتی است.

۳. پرهیز از آسیب رساندن به محیط زیست

یکی از مسائلی که در دنیای جدید، گریبان‌گیر بشر شده، مسئله محیط زیست است. تکنولوژی و صنعت در کنار تمام منافع‌ی که برای بشر به ارمغان آورده و باعث افزایش سطح رفاه عمومی گردیده است، سبب تغییرات و ضایعات جبران‌ناپذیری در محیط زیست شده که ادامه حیات در این کره خاکی را با مشکل جدی مواجه نموده است.

الگوی یک فرد زاهد در کار و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی هماهنگ با محیط زیست و پاس‌داشت آن پیوند می‌خورد. آنچه که حیات اقتصادی انسان زاهد را به حیات و بهداشت محیط زیست گره می‌زند، بهره‌برداری از سود جاودان اخروی در کنار منافع مادی این جهانی است؛ چراکه در تفکر الهی و زاهدانه، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند و نمی‌توان به بهانه کسب‌وکار و فعالیت‌های سودآور اقتصادی، هرچند در جهت کمک به هم‌نوعان و یاری مظلومان و بالا بردن رشد و توسعه در جامعه و بازار اسلامی، به انهدام و از بین بردن نعمت‌های الهی و منابع طبیعی پرداخت.

در سیره نبوی نیز تأکید فراوانی بر این حقیقت شده تا جایی که در جنگ با کفار که قتل دشمنان

دین واجب می‌شود، کسی حق قطع کردن درختان و سوزاندن آنها را نداشته، مگر برای ضرورت (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵/۱۵) همچنین مسموم نمودن آب آشامیدنی نیز مورد نهی رسول گرامی بود. (کلینی، ۱۳۷۰: ۵/۲۷)

۴. پرهیز از تولید کالاهای ممنوع، غیر ضرور و تشریفاتی

برخلاف اقتصاد لیبرالیستی که به دنبال سود بیشتر در فعالیت‌های اقتصادی است، در اسلام جواز فعالیت اقتصادی منوط به آن است که ضربه‌ای به زندگی فردی و اجتماعی بشر وارد نسازد.

لذا انسان زاهد در تولید باید دقت نماید که کالاها و لوازم و همچنین خدماتی که استفاده آنها در شریعت ممنوع یا زائد است را تولید ننماید؛ مطابق جهان بینی متفاوت از سیستم‌های اقتصادی عصر جدید، انسان زاهد با در نظر داشتن سود و لذت آخرتی در تولید کالاهای، آنچه را که اسلام به حرمت آنها فرمان داده است، از گردونه تولید خویش خارج می‌سازد مانند ابزار و آلات قمار، ابزار لهو و لعب، تولید نوشیدنی‌های مست کننده و...

نکته دیگری که در باب تولید کالا باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تولید کالاهای لوکس و تجملاتی که مطابق میل و تقاضای اقشار مرفه است، باید به حداقل ممکن کاهش یابد. در جوامع سرمایه‌داری، تشویق به تولید این نوع کالاهای غیرمعقول و مسرفانه به علت نظام اقتصادی آنان و مطابق سیستم عرضه و تقاضا صورت می‌پذیرد؛ اما در جامعه اسلامی که مطابق اصول اسلامی است فرهنگ مصرف زدگی و لوکس‌گرایی مور نهی شارع و تولید این نوع کالاها با الگوی زهد اسلامی در تعارض است.

دو. الگوی زهد در عرصه تخصیص درآمد

براساس آموزه‌های اسلام، هر فرد مسلمان باید درآمد خود را بین مصرف، سرمایه‌گذاری و انفاق تقسیم کند. بنابراین، تخصیص درآمد مسلمان را می‌توان با اتحاد زیر بیان کرد: $y = C + IF + R$. در این اتحاد، C مخارج مصرفی، IF بخشی از درآمد است که جهت سرمایه‌گذاری عرضه می‌شود که به آن وجوه آماده سرمایه‌گذاری می‌گویند و R بخش دیگری از درآمد است که در راه خدا مصرف می‌شود.

اولویت تخصیص درآمد به هریک از سه مورد پیش گفته با تبیین حدود مصرف و سرمایه‌گذاری و انفاق روشن خواهد شد. از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که بر هر مسلمان واجب است که مخارج زندگی خود را در حد ضرورت و مخارج زندگی افراد تحت تکفلش را در حد کفاف تأمین کند. حد ضرورت، حدی است که نیازهای حیاتی فرد تأمین شود و حد کفاف، حدی است که در آن نیازهای

معقول زندگی با توجه به شأن و موقعیت اجتماعی فرد تأمین می‌شود.

کسی که نتواند مصارف ضروری زندگی خویش و مصارف در حد کفاف خانواده‌اش را تأمین کند، فقیر است و می‌تواند از وجوه شرعی خمس و زکات استفاده کند.

به طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه‌گذاری برای به‌دست آوردن درآمدی که مخارج زندگی را در حد کفاف تأمین کند، واجب است. در این صورت، مسلمان آنچه را که پس از کسر مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری واجب از درآمد باقی می‌ماند، در یکی از سه راه توسعه زندگی برای خانواده تا قبل از حد اسراف، سرمایه‌گذاری و انفاق در راه خدا باید صرف نماید (میرمعزی، ۱۳۸۵: ۳۴۵ - ۳۴۶)

۱. نیازهای شخصی

اولین بخش از مواردی که درآمد باید در آن صرف گردد، نیازهای شخصی است. در آیات و روایات فراوانی تأکید بر بهره‌وری از لذت‌های حلال شده است. در بعضی از روایات با استناد به اینکه خداوند متعال دوست دارد که بهره‌گیری از نعمتی را که به بنده‌اش داده‌است ببیند (حرانی، ۱۴۰۴: ۵۶/۱)، مردم را به استفاده از این نعمت‌های الهی، به اندازه نیاز تشویق می‌کند و کسانی که خود را از لذت‌های مشروع زندگی محروم کرده‌اند، به شدت نکوهش می‌نماید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۴/۷۴)

همچنین در روایات معصومین بر گشاده‌دستی در تخصیص درآمد و دست‌ودل باز بودن در این‌باره برای خانواده تأکید شده است؛ یعنی یک مؤمن زاهد، علاوه بر تأمین نیازهای شخصی خود و خانواده‌اش، موظف است در مخارج خانواده سخت‌گیری نکند و سهمی از درآمد خود را به هزینه‌های این چینی اختصاص دهد. این موضوع به قدری اهمیت دارد که در روایتی از امام زین العابدین علیه السلام آمده است:

خشنودترین شما نزد خداوند کسی است که خانواده خود را بیشتر در رفاه قرار دهد.

(شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴۰۸/۴)

کلینی به سند خود از حکم بن عتیبه نقل می‌کند:

روزی بر امام باقر علیه السلام وارد شدم درحالی که امام در خانه‌ای آراسته و مزین به‌سر می‌برد و پیراهن تروتازه و عبایی رنگین برتن داشت؛ به گونه‌ای که رنگ عبا بر شانه حضرت اثر گذاشته بود. من به خانه و سر و وضع امام نگریستم که حضرت فرمودند: حکم در این مورد چه می‌گویی؟ عرض کردم: انتظار نداشتم درباره پوششی که برتن شما می‌بینم، سخنی بگویم. پیش ما، چنین کاری از کسی که در عنفوان جوانی است، سر می‌زند. امام فرمود: حکم! چه کسی زینت خدا که آن را برای بندگانش قرارداده و روزی‌های پاک را حرام نموده است و این پوشش، از جمله زینت‌هایی است که خدا برای بندگان

خود آفریده، اما خانه‌ای که می‌بینی، خانه همسرم است که به تازگی با او عروسی نموده‌ام. خانه خودم همان است که می‌شناسی. (کلینی، ۱۳۷۰: ۴۴۶/۶)

البته تدبیر خرج و مخارج زندگی و آسان گرفتن برای خانواده با ولخرجی و اسراف و بی‌برنامه‌گی در هزینه کردن متفاوت است و نباید به بهانه گشاده‌دستی برای خانواده و مخارج زندگی به افراط در آن دچار شد. اصولاً دین اسلام، دین اعتدال است و برای جلوگیری از افراط و تفریط ایده دارد؛ نه بخل ورزیدن را روا می‌داند و نه بر اسراف و ولخرجی مهر تأیید می‌نهد.

۲. پس‌انداز و سرمایه‌گذاری

نظریه‌های مصرف و تخصیص درآمد در اقتصاد خرد می‌گوید که هر فرد، از درآمد خود باید آن‌گونه بهره‌مند شود که مطلوبیت حاصل از بهره‌مندی او به حداکثر برسد. (بندیکت و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۲۷ و ۱۲۹) از همین‌رو تمامی انسان‌ها در تمامی جوامع، بخشی از درآمد خود را برای استفاده در زمان آینده پس‌انداز می‌کنند. این شیوه عقلائی مورد تأیید ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} نیز قرار گرفته است. جالب آن است که در دوره‌ای میان گروهی از اهل حدیث، مشهور شده بود که پیامبر اسلام از پس‌انداز بیش از دو درهم که مبلغ بسیار پایینی می‌باشد، نهی نموده است؛ عبدالرحمان بن حجاج این مسئله را از محضر امام صادق^{علیه‌السلام} سؤال نموده و ایشان ضمن پذیرش اصل صدور این روایت، با شرح سبب صدور روایت توضیح می‌دهند که این روایت دلالتی بر منع از پس‌انداز ندارد و مربوط به یک شخص خاص بوده و به اصطلاح علم اصول «حکم فی واقعه» می‌باشد. ایشان در ادامه می‌فرمایند چون مردم نمی‌توانند در تمامی ایام سال به کسب درآمد مشغول باشند، می‌توانند به اندازه مخارج یک سال خود و خانواده خود به پس‌انداز مشغول شوند:

إِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يُعْطُونَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ فَلِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مَا يَكْفِيهِ وَيَكْفِي عِيَالَهُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ. (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۱۵۲)

باید دقت داشت که این روایت دلالت بر مطلوبیت پس‌انداز در تمامی حالات ندارد و صرفاً اشاره به پس‌انداز برای رفع نیازهای روزمره دارد. واضح است که برخی از مصادیق پس‌انداز که صرفاً به انگیزه جمع مال صورت می‌گیرد، مورد نهی دین مبین اسلام قرار گرفته است:

وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ. (توبه / ۳۴)

باید توجه داشت که پس‌انداز درآمد برای سرمایه‌گذاری و کسب درآمد بیشتر از مواردی است که

مورد نهی قرار نگرفته و بلکه می‌توان در روایات برای آن نیز مؤید یافت. در روایات معصومین اصلاح وضعیت اموال یکی از شرایط ایمان معرفی شده‌است. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۶۳/۱۷)

۳. مشارکت اجتماعی و انفاق

سرمایه و امکاناتی که فرد به‌صورت داوطلبانه در امور عام‌المنفعه مثل ساخت مسجد و مدرسه و کمک به مستمندان هزینه می‌کند، از جمله مخارج مشارکت اجتماعی است. این مخارج در الگوی تخصیص درآمد یک انسان زاهد بسیار مهم است؛ چرا یکی از فلسفه‌های زهد، همدردی با اقشار آسیب‌پذیر جامعه و سپس اقدام برای ایجاد عدالت بین فقیر و غنی از طریق انفاق و زهد است. انسان زاهدی که نفس خویش را به دور از تعلقات دنیا نگه‌داشته است، علاوه بر آثار فردی که در وجودش نهادینه می‌گردد، با مصرف در حد کفاف، مازاد از مقدار نیاز خویش را در مشارکت‌های اجتماعی هزینه می‌نماید. در قرآن و سخنان معصومین ده‌ها آیه و هزاران حدیث در مورد اهمیت این امر و ترغیب به آن وجود دارد. (رشاد، ۱۳۸۰: ۲۸۵/۷)

حضرت علی علیه السلام بخش قابل توجهی از درآمد مازاد بر مصرف خویش را به عنوان صدقه که نوعی از پس‌انداز است، به نیازمندان می‌رساندند. در بینش علوی، رفع نیازهای فعلی بینوایان در شمار مخارج مصرفی نیست؛ بلکه بهترین نوع سرمایه‌گذاری برای آینده اجتماع است، و ثمره آن نیز پرورش استعدادهای خفته فقیران و وارد کردن نیروی اندیشه و کار آنان در چرخه تولید ملی است. امام علیه السلام این واقعیت را که اقتصاد امروز، تنها میزان کمی از آن بهره برده است را به نیکی می‌دانستند که پیشرفت اقتصادی جامعه بدون حمایت گروه‌های ضعیف جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. (همان: ۳۰۵ و ۳۰۹)

از دیگر خدمات و مشارکت‌های اجتماعی امیرالمؤمنین علیه السلام می‌توان سنت حسنه وقف (شیبانی، ۱۴۰۳: ۵۴۸/۱)، آزاد کردن بردگان (محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱: ۳۷۸/۹)، ساختن مسجد، تعمیر جاده (ابن‌شهر آشوب، بی‌تا: ۱۲۳/۲)، حل‌وفصل دعاوی مردم (دیلمی، ۱۴۱۲: ۲۱۸/۲) و مواردی از این قبیل اشاره نمود.

سه. الگوی زهد در عرصه مصرف

اعتقاد به آخرت و اصالت‌دادن به آن، چهارچوبی برای مصرف شخص مسلمان پدید می‌آورد که آن را با اراده و اختیار و به‌صورت الزامی شرعی و دینی درجهت مصرف برمی‌گزیند. یک فرد مسلمان نمی‌تواند به بهانه مالکیت بی‌چون‌وچرای خویش بر اموال و دارایی‌هایی که در دست دارد، در مصرف آنها آزاد باشد و آنها را به هرنحوی که میل دارد و لذت‌های شخصی او اقتضا می‌کند، به‌کار گیرد. نحوه بهره‌مندی و مصرف انسان زاهد از دارایی‌های خود تابع قوانین خاصی می‌باشد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تأمین نیازها

اولین اصل در الگوی مصرف زهدپیشگان، اختصاص به تأمین نیازهای روزمره دارد. باتوجه به ویژگی‌های روحی، فیزیکی، و موقعیتی انسان، و سطح نیازهای قابل تأمین او نیازها شدت و ضعف می‌یابند. هرچه نیازهای انسان بیشتر باشد، سهم بیشتری از درآمد را مصرف می‌کند و سهم کمتری را به بازار ثواب و اجر اخروی اختصاص خواهد داد. (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۶۷ - ۱۷۲)

از ویژگی‌های بارز رهبران الهی رعایت کردن حدود مصرف در شرایط مختلف زندگی است. آنان همواره سعی داشتند به اندک‌ها بسنده نمایند و نفس خویش را بدین‌گونه از توجه و مشغول شدن به دنیا بازدارند و از سوی دیگر زمینه و شرایط اقتصادی را برای بهره‌مندی دیگران فراهم آورند.

۲. برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی و رعایت توازن از مصادیق بارز تدبیر در امور معیشتی است که بیش از ثروت، در رفاه و آسایش انسان مؤثر است و در کنار دین‌شناسی و مقاومت در سختی‌ها، به‌دست آوردن آن برای مؤمنین زهدپیشه ضروری است. عدم برخورداری از این ویژگی، گاه موجب می‌گردد که برخی از ناتوانان اقتصادی، از ثروتمندان، پرخرج‌تر و اسراف‌کارتر گردند. امام صادق علیه السلام در پاسخ سماعه که از ایشان درباره وجوب زکات بر کسی که بخشی از هزینه‌اش را می‌تواند تأمین کند، سؤال کرده بود، فرمودند: بسا فقیری که از توانگر، اسراف‌کارتر باشد. سماعه گفت: چگونه فقیر می‌تواند از توانگر، اسراف‌کارتر باشد؟ فرمودند: توانگر، از آنچه به او عطا شده خرج می‌کند و فقیر از آن چه به او عطا نشده، هزینه می‌نماید. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴۲/۹)

انسان می‌تواند با تفکر و حساب‌رسی، عوامل و موانع رسیدن به حد معقول مصرف و تهیه برنامه‌ای کارآمد در این زمینه را به‌دست آورد. برنامه‌ریزی، نه تنها سبب نظم و کارآمد شدن اهداف دنیوی می‌گردد بلکه انسان را در جهت رسیدن به اهداف زیربنایی اخروی نیز کمک می‌کند؛ همان‌طور که دست‌یابی به زندگی همراه با رفاه و غنا نیازمند برنامه‌ای هماهنگ و صحیح است، رسیدن به قله‌های سعادت جاودانی محتاج نظمی پایدار در زندگی دنیوی است؛ چراکه دنیا، تجارت‌خانه اولیای خداست و اگر انسان برنامه‌ای جامع و کامل برای حیات اقتصادی، اجتماعی، فردی و عبادی خود داشته باشد، هم سلامت روح و هم سلامت جسم خود را تأمین نموده‌است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

اندازه نداشتن (و بی‌برنامگی) در معشیت، فقر می‌آورد. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۵۴)

۳. رعایت اولویت‌ها

تدبیر و اولویت‌بندی بین نیازهای گوناگون یکی از اصول اساسی مصرف صحیح و بهینه است و به این امر در کتاب و سنت تأکید شده است. خداوند متعال در باب شیوه درست مصرف کردن اموال و عاقبت‌اندیشی در انجام این امور می‌فرماید:

دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده‌دست مباشتا ملامت شده و حسرت‌زده برجای مانی. (اسراء: ۲۹)

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید که نزد پیامبر مقداری طلا بود که ایشان دوست نداشتند که آنها را شب نزد خود نگه دارند لذا همه را صدقه دادند؛ صبح نیازمندی به ایشان مراجعه می‌کند و حضرت علیه السلام چیزی نداشتند که به او بدهند سائل حضرت را سرزنش می‌کند و پیامبر صلی الله علیه و آله که عطوفت و مهربانی فراوانی داشتند، از اینکه چیزی نزد خود باقی نگذاشته بودند، غمگین شدند و خدا به این صورت پیامبر را متوجه نحوه خرج کردن می‌نماید؛ چراکه مردم از حضرت انتظار داشتند و ایشان را معذور نمی‌داشتند. (کلینی، ۱۳۷۰: ۶۷/۵)

هرچند که این آیه در یک مورد خاص از مصارف بیت‌المال نازل شده است؛ اما به صورت کلی نشان می‌دهد که در مصرف، همواره افق وسیع‌تری از نیازها را مدنظر قرار دهند و با تدبیر و رعایت اولویت‌ها عمل کنند؛ راکد نگذاشتن مال همواره از اولویت‌های اساسی در دین است مگر آنکه دلیل و علت مهم‌تری مطرح گردد که باعث شود سرمایه به صورت راکد و دست‌نخورده باقی‌ماند. عدم توجه به اولویت‌ها و موقعیت و مرتبه هرکس و مصرف غیرمتناسب با آن، موجب اسراف و حرمت می‌گردد؛ در این‌گونه از اسراف، اتلاف مال و تبذیر وجود ندارد، بلکه اسراف به دلیل عدم توجه به اولویت‌های مصرف اتفاق می‌افتد. به‌عنوان مثال رنگ‌آمیزی خانه در صورتی که درآمد شخص تنها در حد تأمین ضروریات شدید زندگی‌اش باشد، اسراف در مصارف شخص محسوب می‌شود. کمک به فقرا باوجود احتیاج خانواده، اسراف در مصارف اجتماعی است و هزینه زیباسازی دولت علی‌رغم وجود انسان‌های گرسنه در کشور، اسراف در هزینه‌های حکومتی است.

۴. عدم اسراف و تبذیر

اسراف به معنای وسیع کلمه، هرگونه تجاوز از حد، در هرکاری است که انسان انجام می‌دهد؛ ولی غالباً این کلمه در مورد هزینه‌ها و خرج‌ها گفته می‌شود و از قرآن به خوبی استفاده می‌شود که اسراف نقطه مقابل تنگ‌گرفتن و سخت‌گیری است. (فرقان / ۶۷)

انسان زاهدی که دل از مادیات و زرق و برق‌های زندگی پوشانده است باید نهایت دقت را در مصارف خویش داشته باشد و همواره سعی کند در مصارف عمومی و مصارف شخصی از هدر رفتن نعمت‌های الهی جلوگیری کرده و از اسراف دوری کند. استفاده از نعمت‌های الهی برای رفع نیازهای شخصی که انسان در زندگی روزمره خود بدان‌ها نیازمند بوده و لازمه یک زندگی محسوب می‌شود، هیچ مانعتی ندارد، اما استفاده از کالاهای زائد و تشریفاتی که هیچ ضرورتی به استفاده از آنها وجود ندارد، مصداق اسراف محسوب می‌شود. انسان مومن باید در مصرف حد میانه را در نظر بگیرد. اما سؤال اساسی آن است که این حد میانه را چگونه می‌توان مشخص نمود؟ در جواب باید توجه داشت که شرایط زمانه در این زمینه نقشی اساسی دارند. زمانی که شرایط اقتصادی جامعه در وضعیتی نامطلوب قرار داشته و عموم مردم در سطح پایین اقتصادی قرار دارند، انسان مومن بایستی حد میانه را در نظر گیرد و در زمانی که شرایط اقتصادی جامعه مطلوب باشد، انسان مومن ضمن زهدورزی امکان بهره‌مندی بیشتر از نعمات الهی را دارد. سیره عملی امام صادق علیه السلام گویای این مطلب است.

روزی سفیان ثوری که از فقها و زاهدان و صوفیان اهل سنت بود، در مسجد الحرام امام صادق علیه السلام را در حالی می‌بیند که ایشان لباس‌های گران‌قیمتی را بر تن کرده‌اند. او نزد امام رفته و به ایشان عرضه می‌دارد که این نوع لباس را نه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله استفاده کرده و نه جد ایشان امیر المومنین علیه السلام و در نتیجه پوشیدن این لباس مناسب مقام امام نمی‌باشد. امام صادق در جواب سفیان تفاوت شرایط دو زمان را مورد توجه او قرار داده و بیان می‌کنند که علت پوشش خاص پیامبر و امیر المومنین در آن زمان، شرایط سخت اقتصادی بوده‌است و در زمان امام که این شرایط تغییر یافته، مومن می‌تواند بهره بیشتری از نعمت‌های الهی ببرد. (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۵۶/۲) از همین روست که در حال حاضر که بر اثر پیشرفت ابزار تولید، در بسیاری از جوامع شرایط دسترسی به امکانات مادی بهبود یافته است، مؤمن می‌تواند از سطح بالاتری از نعمات الهی برخوردار باشد.

۵. عدم مصرف‌زدگی و تجمل‌گرایی

مصرف‌گرایی یکی از محصولات سرمایه‌داری غرب است که با گسترش طبقه متوسط جدید، بسط جغرافیایی شهرنشینی، عدم امنیت اقتصادی شهروندان و در پیوند مستقیم با فلسفه اصالت‌سود در کاپیتالیسم شکل گرفته و به جهان پیرامون نیز سرایت کرده است.

در اسلام حدی از تأمین معیشت برای مردم در زندگی مشترک واجب است. در زندگی رفاهی، انسان در صد تأمین رفاه بیشتر برای خود و خانواده است و تلاش می‌کند امور روزمره خود را از حد ضرورت فراتر ببرد و خوراک و پوشاک و مسکن بهتر و بیشتری برای خانواده خود فراهم نماید. این قبیل

تلاش‌ها، در دستورهای اسلامی ما ستوده شده است و از آنها به جهاد تعبیر شده است؛ یعنی در اسلام، زندگی بهتر همراه با رفاه بیشتر منع نشده است؛ اما آنچه که جامعه را به سمت هلاکت نزدیک می‌کند، زندگی تجمل‌گرایانه است.

باید توجه داشت هرچند براساس بهبود شرایط اقتصادی مومن می‌تواند بهره بیشتری از امکانات ببرد، اما نباید او زندگی خود را با مادیات انباشته کند. نکته قابل ذکر در روایتی که برخورد میان امام صادق و سفیان ثوری را توضیح داده بود آن است که در ادامه روایت آمده، امام صادق علیه السلام با کنار زدن جامه رویین خود که نازک و نرم بود، جامه ضخیمی را به سفیان نشان دادند. این مطلب نشان می‌دهد که زهد و دنیاگرایی و دوری از تن‌آسایی همواره در هر شرایطی مطلوبیت داشته است. مؤمن با درک دوران مدرنیته و بالاتر رفتن سطح رفاه خود را به مادیات آغشته نمی‌سازد و در اوج توانمندی و توانگری زهد و ترک تعلقات را پیشه خود می‌سازد.

چهار. الگوی زهد در عرصه علم و دانش و تکنولوژی

جذابیت مفهوم زهد برای سالکان طریق الهی ممکن است موجب آن شود که این مفهوم اخلاقی را در هر حیطه‌ای جاری و ساری بدانند؛ درحالی که چه بسا زهدورزی در برخی امور موجب دورشدن از قلّه‌های سعادت و کمال حقیقی گردد. یکی از حیطه‌هایی که اجرای زهد در آن احتیاج به دقت فراوان دارد، دنیای علم و دانش است. آیا انسان در کسب علم، باید به حداقل‌ها اکتفا کند و یا اینکه به دنبال فتح هر یک از قلّه‌های علم و دانش باشد و یا در این باره باید قائل به تفصیل شد؟ این گفتار به دنبال پاسخ به این سؤال است.

۱. اصل افزایش تخصص و مهارت

علم و تخصص در اسلام ارزشمند است. در فضیلت عالم و وجوب به‌دست آوردن دانش و علم حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

ای مردم بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را به کار بندید. آگاه باشید تحقیق علم واجب‌تر از تحصیل مال است (کلینی، ۱۳۷۰: ۳۰/۱)

امام صادق علیه السلام نیز به نقل از پدر بزرگوار خویش می‌فرماید:

پدرم فرمود ای فرزندم بشناس منازل و مقام شیعه را به قدر روایتشان و معرفتشان... من در کتاب علی علیه السلام دیدم که نوشته‌بود قیمت و ارزش شخص، معرفت و علم اوست. خداوند بزرگان را بر قدر عقلشان در دنیا محاسبه می‌کند. (شیخ صدوق، ۱۳۶۱: ۲)

۲. عدم استفاده ابزاری از علوم و فنون

از آنجا که در فرهنگ متعالی اسلام، غایت حیات انسانی، حیات اخروی او می‌باشد و زندگی این جهانی در سایه‌سار این غایت معنا می‌یابد، تمامی تلاش انسان بایستی در راستای این هدف مقدس قرار گیرد. استفاده از علم و تکنولوژی نیز از این قاعده مستثنی نیست و کاربرد آن زمانی مشروع می‌باشد که بتواند یاری‌گر انسان در تأمین سعادت اخروی او باشد. البته این سخت‌بدان معنا نیست که نباید از تکنولوژی برای تأمین رفاه دنیایی بهره‌جست چون یکی از عوامل تأثیرگذار در تأمین سعادت اخروی، بهره‌مندی از شرایط مطلوب در حیات دنیوی می‌باشد. در نگاه اسلام، فقر و محتاج بودن نه تنها یاری‌گر سعادت جاودانی نیست بلکه از موانع مهم و حقیقی آن به‌شمار می‌رود.

انسان یک موجود مادی محض نیست و علاوه بر جسم، دارای روح نیز می‌باشد؛ بنابراین یکی از اصول استفاده از علم و تکنولوژی، منطبق بودن دانش و ابزار با ابعاد متعالی روح بشر است. الگوی زهد در عرصه استفاده از تکنولوژی و صنعت، الگویی است که در آن دانش و تکنولوژی در صورتی قابل توصیه است که با آرمان‌های متعالی بشر تعارضی نداشته باشد و مانعی برای آزادی معنوی و تکامل و پیشرفت روحی او محسوب نشود؛ بنابراین در هر زمانی که تعارض بین رهاوردهای تکنولوژی و اصول اخلاقی و الهی پیش بیاید؛ همان‌جا نقطه توقف تکنولوژی و بهره‌برداری از آن خواهد بود. آنکه زهد را پیشه کرده، علم و تکنولوژی را نفی نمی‌کند بلکه در خدمت امور ناروا بودن آن را برنمی‌تابد.

۳. عدم زهد در کسب هزینه‌های دانش

اولیای دین هرچند در باب امور دنیوی، جانب احتیاط را رعایت می‌کردند و به سبک ساده‌ترین و نیازمندترین مردم رفتار می‌کردند، ولی در تعلیم و آموزش، پرخرج و پرهزینه بودند. به عبارت دیگر اهمیت فراگیری علم و دانش را به حدی می‌دانستند که هرگونه خرج و هزینه را در راه آن لازم و ضروری می‌شمردند.

هزینه تعلیم و تربیت در سیره علی علیه السلام دارای بالاترین درجه اهمیت است. رویکرد امام به این امر از این مبنای انسان شناختی ایشان ریشه گرفته بود که انسانیت انسان به دانایی و مهارت اوست. نتیجه طبیعی چنین رویکردی، صرف هزینه‌های سنگین برای کسب دانش است. صرف چنین هزینه‌هایی در سیره امیرمومنان علیه السلام به‌وضوح قابل مشاهده است. به عبارت دیگر اهمیت فراگیری علم و دانش را به حدی می‌دانستند که هرگونه خرج و هزینه را در راه آن لازم و ضروری می‌شمردند.

۴. عدم محدودیت در مرزهای دانش

در عرصه کسب علم و تخصص، قناعت زهد معنایی ندارد و لازم نیست که انسان به سطحی از علم

بسندہ کند و آن را کافی بداند چراکه علم و دانش بشر بسیار محدود است و بنا به فرموده امام صادق علیه السلام مطالعه بسیار و پی‌گیری در مسائل علمی باعث شکفتگی عقل و تقویت نیروی فکر و فهم می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵۹/۱)

پس همان‌گونه که در عرصه تولید بیان شد که مطابق روایت ائمه معصومین علیهم السلام زهد در تولید معنا ندارد و انسان زاهد باید در عرصه تولید کوشا و فعال باشد، در عرصه علم و تخصص نیز همین‌طور است؛ یعنی همان‌طور که فرد زاهد و خداترس باید در رونق تولید اقتصادی جامعه خویش تلاش نماید، در عرصه علم و دانش نیز باید کوشا و فعال باشد و به حداقل‌ها بسنده ننماید. البته باید توجه داشت که منظور از دانش و علم، در اینجا علم و دانش مفید و نافع به حال انسان است؛ و الا علوم مضر و همچنین علوم همواره مورد نهی اولیای دین بوده است.

نتیجه

دیدگاه اسلام، زهد به معنای دل‌کندن از علاقه‌های دنیوی و بی‌رغبتی به هرچیزی است که انسان را از خدا بازمی‌دارد و زاهد کسی است که توجهش را از مادیات به کمالات والاتر معطوف کرده و تنها به تکلیف خود و رضای حضرت حق می‌اندیشد.

اسلام با مدرن بودن به معنای استفاده از علوم یا ابزار و فناوری‌های روز مخالفتی ندارد و آنچه اسلام با آن مخالف است؛ مدرنیته به عنوان یک فرهنگ و ایدئولوژی خاص است که قائل به اندیشه‌های انسان‌مداری و سکولاریستی و... است. ترسیم الگوی زهد در هر عصری براساس رفتار و گفتار ائمه معصومین قابل ارائه است. در این بین توجه به شرایط و اقتضائات زمان نیز ضروری است. از سوی دیگر باید توجه داشت که مسئله زهد را می‌توان در عرصه‌های مختلف بررسی نمود که مطلوبیت اکتفاء به حداقل‌ها در برخی زمینه‌ها را نمی‌توان به تمامی عرصه‌ها تعدی داد. درعین مطلوبیت زهد در عرصه مصرف، اسلام توصیه‌ای به زهد و قناعت به‌ویژه در عرصه تولید و دانش نداشته و زندگی عملی معصومین علیهم السلام نشان از آن دارد که تولید حداکثری مطلوب آنها است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله، ۱۳۷۵، *الاشارات و التنبیهاات*، قم، نشر البلاغه.

۴. ابن شهر آشوب، ابو جعفر رشیدالدین، بی تا، مناقب آل ابی طالب، قم، المطبعة العلمية.
۵. ابن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر للطباعة.
۷. اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی.
۸. اقدامی، علی، ۱۳۸۹، «بازشناسی زهد در قرآن کریم»، پژوهشنامه اخلاق، ش ۱۰، قم، دفتر نشر معارف.
۹. بندیک، رابرت اس و رایفیلد، دانیل ال، ۱۳۸۱، اقتصاد خرد، ترجمه احمد ذیحجه زاده، تهران، سمت.
۱۰. بولتمان، رودلف، بهار و تابستان ۱۳۷۴، «عیسی مسیح و اسطوره شناسی»، ترجمه هاله لاجوردی، مجله ارغوان، شماره ۵ و ۶.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، قم، بوستان کتاب.
۱۲. التهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶ م، موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، مراحل اخلاق در قرآن، قم، نشر اسرا.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰ ق، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۵. الحرائی، حسن بن علی بن حسین بن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعه، قم، آل البیت.
۱۷. حسینی، سیدرضا، ۱۳۷۹، الگوی تخصیص درآمد و رفتار مصرف کنندة مسلمان، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۸. الدیلمی، الحسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۲ ق، ارشادالقلوب، قم، شریف رضی.
۱۹. رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۰، دانشنامه امام علی علیه السلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، ۱۳۶۱، معانی الاخبار، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۱. _____، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ ق، الاختصاص، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۳. الشیبانی، ابو عبدالله احمد بن محمد، ۱۴۰۳ ق، فضائل الصحابه، مکه، جامعه القرى.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۵. الطوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، الامالی، قم، دارالثقافه.
۲۶. ظهیری، سیدمجید، ۱۳۸۱، روشنفکری، مدرنیته و دیانت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۷. علی اکبریان، حسینعلی، ۱۳۷۸، ارزش دنیا، تهران، کانون اندیشه جوان.
۲۸. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۴۶ ق، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. فاضل مقداد، ۱۴۲۰ ق، الانوار الجلالیه فی شرح الفصول النصیریّه، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۰، الکافی، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۲. محمدی الری شهری، محمد، ۱۴۲۱ ق، موسوعة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام فی الکتاب والسنه و التاريخ، قم، دار الحدیث.
۳۳. مصطفوی، حسین، ۱۴۰۲ ق، التحقیق فی کلمات القرآن، تهران، مرکز الکتاب للترجمه والنشر.
۳۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۴، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۳۵. _____، ۱۳۸۷، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا.
۳۶. میرمعزی، سید حسین، ۱۳۸۸، اصلاح الگوی مصرف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۷. وبر، ماکس، ۱۳۷۳، اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.